

کالبد شکافی نژاد پرستی ایرانی دکتر علیرضا اصغرزاده

تامل در علل ریشه ای جنبش مقاومت آذربایجان جنوبی در روز های اخیر بسیاری از بخش ها و شهرهای آذربایجانی در ایران بار دیگر صحنه انقلابی کشاکش ضد نژاد پرستی و ضد استعماری بر علیه نظم نژاد پرستانه و استعماری شده است. جنبش جاری آذربایجان جنوبی بایستی درست در مرکز مباحث سرکوبهای قومی و استعمار داخلی در یک مفهوم ایرانی تلقی شود. با خودداری از قید لغت نژاد پرستی و استعمار داخلی، گفتمان مسلط فارس یک تصویر کاملاً وارونه از نابرابری اجتماعی و قومی در کشور ارائه داده، با مهارت ترتیبی میدهد که مدیای جهانی و نیروهای مترقی ضد نژاد پرستی را در سراسر جهان گمراه نماید. حقیقت اینست که بدون توجه به مقوله نژاد پرستی و استعمار به مثابه واقعیت های اجتماعی موجود در جامعه ایران، ارائه یک تحلیل جامع در رابطه با جنبش جاری آذربایجانی ها، به همراه جنبش های مشابه دیگر در کردستان، خوزستان، بلوچستان، ترکمان - صحراء و سایر مناطق کشور غیر ممکن خواهد بود.

پلورالیسم قومی، متفاوت و متنوع بودن همیشه مشخصه تعیین کننده آنچه که امروز ایران خوانده میشود بوده است. مردمی از تیره های قومی متفاوت، نظیر اجداد ترک های آذربایجانی، کردها، بلوچ ها، ترکمن ها، عرب ها، لر ها، گیلک ها، مازندرانیها و سایرین قرنها در ایران زندگی کرده اند. تاریخ تمدن آنچه که اینک به ایران موسوم است به شش هزار سال بر میگردد. آثار باستان شناسی - زبان شناسی در دسترس نشان میدهد که از خیلی قدیم این منطقه با تنوع فوق العاده قومی، زبانی و فرهنگی شناخته میشده است. هیچ قوم واحدی هیچ وقت یک اکثریت عددی تعیین کننده ای در این کشور نداشته، هر چند که ترکهای آذری هم اکنون با بیش از سی میلیون نفوس به صورت نسبی اکثریت جزئی را دارند.

تا سال ۱۹۲۵ کشور به صورتی که میشود سیستم کنفدراسیون سنتی خواند اداره میشد، سیستمی که در آن تمام گروه های قومی از آزادی استفاده و گسترش زبانها، عادات، فرهنگ ها و هویت های خود برخوردار بودند. با آغاز حکومت پهلوی در سال ۱۹۲۵، جریان طبیعی پلورالیستی قومی و زبانی به ناگهان متوقف شد و پروسه تک فرهنگی و تک زبانی که تا کنون نیز ادامه دارد آغاز شد. هدف این پروسه شوونیستی این بود که زبان، تاریخ، فرهنگ و هویت اقلیت فارس را به عنوان تنها زبان، تاریخ، فرهنگ و هویت معتبر همه ایرانیان به شناساند.

در طول بیش از ۸۰ سال، نقش دولت مرکزی در ایران انکار و رد وجود تنوع قومی در کشور بوده است. درست همانطور که حکومت پهلوی تمرکز خود را بر روی نابودی تفاوت های فرهنگی، زبانی، و قومی در کشور قرار داد، جمهوری اسلامی نیز با سیاست های آسیمیلیسیون، طرد گرایی و نژادپرستی همان سیاست هارا ادامه داده است. بعلاوه، تحت رژیم کنونی، فشارهای مرتبط با جنسیت و مذهب به مجموعه اعمال به ارث رسیده از حکومت قبلی نیز اضافه شده است. سیاست نژاد پرستانه ارگان های دولتی همیشه با حمایت ایدئولوژیک و گفتمانی اکثریتی از نویسندگان، روشنفکران و مغز متفکر های فارس همراهی میشده است، آنهایی که به دلیل تعلق به گروه مسلط، از امتیاز تک زبانی، تک فرهنگی و نژادی در کشور بهره میبردند. به این گروه بایستی بخش آسیمیله شده

نویسندگان و روشنفکران غیر فارس را نیز علاوه کرد که حمایت پرشور آنان از نژادپرستی فارس حتی خود فارس هارا نیز شگفت زده کرده است. در واقع، افرادی نظیر محمود افشار، ایرج افشار، احمد کسروی و سایرین که خودشان اصلیت ترک داشتند، در میان بنیان گذاران اصلی این سیستم زشت نژاد پرستی قرار داشته اند.

نهاد های دولتی، طبقه ممتاز مسلط، و طبقه روشنفکر فارسیزه شده به همدیگر پیوسته اند و پایه های بنیانی یکی از نژادپرست ترین سیستم های جهان معاصر را محافظت کرده اند. این نژاد پرستی عریان که از پارادیگم های آریایسم و تئوریهای نژادپرستی قرون ۱۸-۲ اروپا تغذیه میکند، از سیستم طرفدار جدایی سفید و سیاه جیم کرو در امریکا (segregationist) دوام بیشتری آورده، بعد از نازیسم، فاشیسم اروپا و رژیم آپارتاید افریقای جنوبی باقی مانده است. در عمل، در مقایسه با نمونه آن در آلمان، اروپا و آمریکا و افریقای جنوبی، نژاد پرستی فارس در ایران داستان موفقیت مبهوت کننده ای از نظر استعداد در پایداری، معمول سازی و همانند سازی (آسیمیلیسیون) است. آنچه در زیر میاید بعضی خصوصیات بارز این گفتمان و عمل نژاد پرستانه حاکم است:

۱- اعتقاد به برتری نژاد آریا

نژادپرستی فارس در ایران از یک نگاه نژادپرستانه و نژادی به دنیا حمایت میکند، جائیکه در آن آنچه که نژاد آریا خوانده میشود به مثابه یک نژاد برتر دیده میشود. با توسل به تئوریهای نژادپرستانه قرون ۱۸-۲۰ اروپا به صورت پایه تئوریکی و ایدئولوژیکی خود، این گروه مسلط منابع کشور را برای ترویج تحقیقات پرخرج و اکتشافات باستان شناسانه در ارتباط با تاریخ و بقا این نژاد برتر آریایی در ایران مورد سوء استفاده قرار میدهد. از طرف دیگر، هر نوع کار جدی که که برتری تاریخی آریائی ها را به چالش می کشد، نه تنها هیچ کمکی دریافت نمیکند بلکه حتی اجازه نشر در ایران نمی یابد. یک نمونه روشن در این مورد تاریخ شناس ناصر پور پیرار است که کار اخیر وی در خصوص تاریخ سلسله ساسانی در ایران اجازه نشر نیافته است. بر طبق وب سایت شخصی وی، <http://naria.persianblog.com> خود نویسنده این کتاب را در سنگاپور به چاپ رسانده و برای توزیع به ایران فرستاده است. بصورت معمول هر کس انتظار دارد که

تحقیقاتی که به صورت انتقادی ساختار آسیائی تاریخ قبل از اسلام در ایران را بررسی میکند با هیچ نوع سانسور دولتی در جمهوری اسلامی مواجه نشود. اما این طور نیست. آثاری نظیر کارهای پورپیرار اجازه چاپ نمییابد به طور ساده به این دلیل که آنها تاریخ ایران حول محور آریائی - فارس را به باز خواست میکشند و با قدرت، خصوصیات ساختگی، دورو و نادرست آنها را ظاهر میکنند.

۲- اعتقاد بر اینکه ایران سرزمین آریائی هاست

نژاد پرستی فارس با صراحت ایران را سرزمین آنچه که آریائی ها خوانده میشود تعریف میکند، آنهایی که سپس با مشخصات گروه مسلط فارس و زبان، فرهنگ و هویت آن شناخته میشوند. در مسیر این پروسه نژادپرستانه، فارسی به صورت تنها زبان ملی - رسمی در مییابد و فرهنگ فارس به عنوان فرهنگ ملی تمام ایرانی ها هویت مییابد. به همین ترتیب، تاریخ ایران به نفع آنچه که آریائی ها خوانده میشوند با طرد، تغییر شکل و حذف تاریخ، حکایات و نقل قول های گروه های قومی دیگر تصاحب میگردد. این طرد گروه های قومی دیگر در پروژه های تحقیقاتی که مورد حمایت مالی دولتی است، در کتابهای درسی، در متون دانشگاهی، برنامه آموزشی، تخصیص منابع مالی تحقیقاتی و غیره صورت میگیرد. به طور خلاصه، تحت این نظم نژادپرستانه در ایران، ایرانی بودن معادل فارس بودن میشود. این نوع هویت یابی نژادی در خدمت بیگانه سازی و غیر خودی نمودن جوامعی است که فارس نیستند و فارسی زبان مادری آنها نیست.

۳- اعتقاد به خالص سازی نژاد آریائی در ایران از راه زبان

با کشاندن به نظرات نژادپرستانه رسوا شده اروپایی، گفتمان مسلط در ایران زبان را معادل نژاد قرار داده و سعی میکند تا برای مردمی که زبان مادری آنها فارسی نیست، - از قبیل ترکهای آذری - ارتباطاتی با زبان هند - اروپایی جعل نماید تا نشان دهد که آنها در طول دوران پیش از هزارسال قبل به زبان هند - اروپایی صحبت میکردند و در نتیجه آریائی به حساب میایند. به همین ترتیب نیز آنها بایستی خود را از هویت پست زبانی - قومی - فرهنگی خود پاک نمایند و با صحبت به زبان نژاد برتر آریا (فارسی) یکی از آنها شوند. این قبیل بازسازی نژادی زبان های ماقبل تاریخی (تخیلی)، تعیین هویت ها بر پایه زبان و

نژاد را ضروری کرده و آنها را بر اساس یک تاریخ ساختگی از اصلیت، ورود و غیره اولویت داده و به عقیده پوچ اینکه چه کسی زودتر از چه کسی وارد شده، چه کسی اول وارد شده، چه کسی دوم رسیده، چه کسی آخر رسیده، زبان چه کسی پیشتر از دیگران صحبت می‌شده، و در نتیجه چه کسی بر بقیه برتری دارد میدان می‌دهد. این قبیل اباطیل بیهوده به ایجاد رقابت های غیر ضروری میان گروه های مختلف قومی - ملی منجر شده و به دشمنی، عدم اعتماد، و نبود همکاری میان آنها منتهی گردیده، در همان حال آنها را برای استعمار شدن و آسیمیله شدن توسط نظم مسلط نژادپرستانه آسیب پذیر می‌سازد.

نظم نژادپرستانه ایران صراحتاً زبان های غیر فارسی را در کشور نهی کرده و آنها را از استفاده به صورت زبان آموزش، برنامه کار، یادگیری، مکاتبه، و زبان دولتی ممنوع می‌سازد. با ممنوع کردن زبان های غیر فارسی، گروه مسلط به هویت جوامع اقلیت تجاوز کرده، افکار آنها را تحت انقیاد و روح آنها را با وحشیت مورد حمله قرار می‌دهد. وی اسامی اصیل مکانهای های برجسته جغرافیایی، شهر ها، بخشها، روستاها و خیابان ها را عوض کرده و قهرمانان باستانی، چهره های تاریخی، چهره های ادبی، دانشمندان، هنرپیشه های سینما، خوانندگان محبوب، رقاصان، و هنرمندان متعلق به جوامع در حاشیه قرار داده شده را به خود اختصاص می‌دهد. وی جوامع غیرفارس را از نامیدن فرزندان خود بنا به میل خود، با استفاده از زبان، فرهنگها، نامها، لغات، نشانه ها و علامات اصیل خود، ممانعت کرده و در مقابل آنها هارا مجبور میکند که از نام ها و نشانه هائی که توسط گفتمان و عمل حاکم تصویب شده است استفاده نماید.

۴- عمل به آناکرونیسم (تغییر در ترتیب حقیقی وقایع تاریخی) در تفسیر آثار تاریخی، مذهبی و ادبی با استفاده از روش تحلیلی آناکرونیسم، گفتمان غالب در ایران تفسیرمطلقاً نژادپرستانه و نژادی از تاریخ، وقایع تاریخی و نوشته های کلاسیک نظیر اوستا و شاهنامه فردوسی مطرح می‌کند. وی این نوشته های قدیمی را بر اساس تئوریهای جدید نژادپرستانه و مفاهیمی که در زمان ایجاد این نوشته ها نبوده است تفسیر میکند. قرائت آناکرونیستیک این متون، محور مرکزی در نگهداری نظم نژادپرستانه در ایران شده بطوریکه این نوع قرائت، مالکیت کشور را توسط یک نژاد واحد مشروع می‌سازد، درست به نحوی که یک

زبان، تاریخ، فرهنگ و هویت واحد را ممتاز میسازد. آناکرونسیم یک توجیه تاریخی برای سرکوب ها، طرد کردن ها و نابود سازی های کنونی در ایران ارائه میکند.

۵- اعتقاد بر اصل نگر (essentialism) و عقیده اصل نگر ایرانیت

نظم حاکم در ایران یک عقیده اصل نگر بر پایه هویت در نژاد و زبان را ترویج میکند. به جای ملاحظه هویت ها به صورت طبقه های جا به جا شونده، سیال و غیر ثابت، نظم نژادپرست ایرانی به اشخاص و جوامع بر اساس درجه ایرانیت آنها هویت ثابتی اختصاص میدهد. تحت این ذهنیت اصل نگر و اصل نگرانه، آنهایی که به یک زبان هند و اروپایی صحبت میکنند دارای هویت اصیل ایرانی محسوب شده و بنابر این ایرانیت بیشتری نسبت به آنهایی که به زبان سامی یا ترکی صحبت میکنند دارند.

نظم مسلط کارت نژاد را برای ایجاد دشمنی بین جوامع در حاشیه قرار داده شده بازی کرده و به دنبال آنست که از تشکیل هر تظاهر همبستگی بین آنها جلوگیری کند. با مشخص کردن بعضی از آنها به مثابه ایرانیان اصیل، آریائی های واقعی، و مالکین حقیقی ایران، سیاست تفرقه و تسلط بر پا ساخته، تخم عدم اعتماد و خصومت میان گروه های قومی مختلف میپاشد. در همان حال، از گرفتن آمار معقول بر اساس قومیت و زبان جلوگیری میکند، در خوف اینکه آمار بر اساس قوم و زبان، اندازه و تعداد واقعی جوامع فارس و غیر فارس در کشور را آشکار خواهد کرد. درست در این راستا عقاید نژادپرستانه مبنی بر مالکان حقیقی ایران، آریائی های واقعی، و جفنگیات مشابه با عراق و تا حد فتنه انگیزی مورد تاکید قرار میگیرد تا مسائل واقعی از قبیل نیاز به آمارگیری ملی بر اساس قومیت و زبان و شروع بکار دپارتمان های قوم شناسی در دانشگاه ها و تحقیق گروه های قومی و ارتباطات قومی در کشور بی اهمیت، پست و مردود شوند.

۶- اعتقاد به اجرا گذاشتن برنامه ریزی شده نژادپرستی

نظم نژادپرستانه ایرانی، قدرت زوری ارگان های دولتی را برای به حاشیه راندن، مجرم انگاشتن و تنبیه فعالانی که مسائل جوامع اقلیت شده را تبلیغ میکنند بکار گرفته به آنها بعنوان خائن، جدائی طلب، مامور دولتهای بیگانه و غیره برچسب میزند. در طول دوره جنگ سرد، برچسب زدن به فعالان ضد نژادپرستانه به عنوان کمونیست و مامور ک گ

ب مرسوم بود. این روزها این فعالان با عناوین مامورین سیا، اسرائیل، صهیونیسم، ترکیه، و حتی جمهوری آذربایجان برچسب میخورند. با این کار، نظم حاکم، مطالبات به حق جوامع در اقلیت قرار گرفته شده برای برخورد مساوی، عدالت، و انصاف را رد میکند. وی با وحشیت هر فعالیت انجام شده بر پایه قوم و زبان را سرکوب کرده، با زور حق خود مختاری ملیت های مختلف را انکار و محکوم میکند. در جبهه اقتصادی، کانال های دولتی، منابع کشور را برای ساختن تاسیسات زیر بنائی، کارخانه ها، و پروژه های توسعه به شهرهای فارس نشین نظیر اصفهان، شیراز، یزد و کرمان سوق میدهد در حالیکه مناطق غیر فارس کردستان، بلوچستان، آذربایجان، و سایر مناطق هر چه بیشتر در فقر و تنگدستی فرو میرود.

مقاومت در مقابل نظم نژادپرستانه

بدین ترتیب، در چارچوب چنین زمینه ضد نژادپرستانه، ضد استعماری است که بایستی به جنبش جاری آذربایجان جنوبی و جنبش سایر جوامع در اقلیت پرداخت. تحت یک موقعیت نژادپرستانه و استعماری است که حوزه هائی نظیر تاریخ، تاریخ شناسی، زبان، ادبیات، و سیستم آموزشی به صحنه های اصلی نبرد برای تسلط و انقیاد آن در حاشیه قرار گرفته شده دیگر تبدیل میشوند. گروه مسلط این حوزه های ممتاز را برای حفظ پایه قدرت سرکوبگر خود، برای حقانیت دادن تسلط و وضعیت ممتاز خود و توجیه سرکوب خود به کار میگیرد. همزمان، در حاشیه قرار گرفته، این حوزه ها را بمنظور طرح سوال، به چالش گرفتن، مبارزه، و در نهایت بر انداختن نظم مسلط سرکوبگر استفاده میکند. به طور مثال، در صحنه مبارزه زبانی، نظم مسلط، زبان در اقلیت قرار گرفته شده را ممنوع کرده و زبان خود را برای جایگزینی آنها بکار میگیرد. از طرف دیگر، در حاشیه قرار گرفته، باز پس گیری و رویش مجدد زبان بومی طرد شده خود را طلب میکند تا به ابراز وجود و بیان هویت و اراده خود قادر گردد. همانگونه که نظم مسلط، تاریخ را برای انکار حقانیت تاریخی آن در حاشیه قرار گرفته دیگر به کار میگیرد، همانطور نیز در حاشیه قرار گرفته، نسخه تاریخی خودش را برای مردود کردن و انکار آن تاریخ که توسط نظم مسلط ساخته شده است مورد استفاده قرار میدهد. نظم حاکم سیستم آموزشی را به کار میگیرد تا

آسیمیلاسیون خودش و سیاست های نژادپرستانه را به زور پیش ببرد. در حاشیه قرار گرفته اهداف آموزشی و مدرسه رفتن را با هدف به میدان آوردن شمولیت، تساوی حقوق، برابری و انصاف برای همه مجددا تعریف میکند.

درک این مساله مهم است که در حالی که در حاشیه قرار گرفته هر چه در توان دارد برای نبرد با نژادپرستی و سرکوب به کار میگیرد، نبرد او یک تقلای دشوار است که در آن وی دسترسی خیلی کمی به حوزه های استراتژیکی نظیر تاریخ، ادبیات، زبان، و سیستم آموزشی دارد. این ها حوزه هائی است که تاثیرات تعیین کننده ای در نتیجه نبرد بین استثمار گر و استثمار شده دارد، و اینها حوزه هایی است که در بیشتر قسمت ها توسط سلطه گر کنترل میشود. اگر سلطه گر با ابزار خود رها شود، شانس اندکی وجود دارد که در حاشیه قرار داده شده در نهایت اساس استعمار، سرکوب و نژادپرستی را نابود سازد. به این ترتیب ضروری است که نیروهای مترقی در همه جا این کشاکش ضد استثمارری، ضد نژادپرستانه را در نظر به گیرند و آنها را به هر طریقی که ممکن است حمایت کنند.

میللی کیملیک مقوله سی

ایشیق سؤنمز

بیلیندیگی کیمی "کیملیک (کیم اولما، هویت) ایفاده سی بیر اینسان یوخسا هر هانکی بیر توپلومون نه آدلانماسینی ایفاده ائتمه لیدیر. دئمک، کیملیک بیر اینسان اوچون اؤیرنجک، اؤزونه تاخاجاق هر هانکی بیر باسما، یوخسا یاپیشدیرما دئییل، اینسان دوغولارکن اونا، یوخسا اوندان اؤنجه او دوغولدوغو توپلوما وئرلمیش آد ساییلار. توپلوملاری اولوشدوران بیریملردیر (فردلردیر) دئییه قبول ائدرسک، میللی کیملیک بیر توپلومون بیریملری طرفیندن اؤیرندیکلری آنا دیللیدیر.

"میللی کیملیک" مقوله سی و "مطلق آد" یوخسا "دئییم تانیما" (ترمینولوژی) چتینلیگی

بیلیندیگی کیمی "کیملیک (کیم اولما، هویت) ایفاده سی بیر اینسان یوخسا هر هانکی بیر توپلومون نه آدلانماسینی ایفاده ائتمه لیدیر. دئمک، کیملیک بیر اینسان اوچون اؤیرنجک، اؤزونه تاخاجاق هر هانکی بیر باسما، یوخسا یاپیشدیرما دئییل، اینسان دوغولارکن اونا، یوخسا اوندان اؤنجه او دوغولدوغو توپلوما وئرلمیش آد ساییلار. توپلوملاری اولوشدوران بیریملردیر (فردلردیر) دئییه قبول ائدرسک، میللی کیملیک بیر توپلومون بیریملری طرفیندن اؤیرندیکلری آنا دیللیدیر. اینسان ایلک اولراق چئوره و اطرافینداکی نسنه (شئی) لره آنا دلیلی واسیطه سی ایله آنلام وئریدیگی، اونلاری آچیقلیغا قاویشدیرایبلیدیگی اوچون اونون آنا دلیلی اونا دوشونمه سیستمی نی ده بیر کیملیک دئییه اکلمیش (علاوه ائتمیش) ساییلار. بئله لیکله مسئله نی میللی چاچدا اله آلاساق، آنا دلیلی هر بیر اینسانین و ایتنیک توپلومون میللی کیملیگی ساییلار. دئمک، میللی کیملیک دنیا گؤروشو (دین) و هرهانکی بیر سیاسی ایدئولوژی دئییل، بیر اوشاق اوچون آنا دیلینده اؤز دونیاسینی و دنیا گؤروشونو اؤیرنمک و اونلار ایله تانیش اولماق اونون دوشونمه و دیل

سیستیمی نین ترکیب حیصه سی اولاراق اورتایا چیخار. Wittgenstein, Ludwig
 آلمان دوشونورو بو دوغولتودا یازار: گئرچکلیگه ایشارت ائتمه میز دوشونمه ده (دوشونمک
 عملینده) حیاته کئچر. "من" و "دونیا" نین ایکی برابر اولمالاری دوشونمه ده اؤزلرینی
 عکس ائتدیرر. دیل دوشونمه نین وسیله سیدیر. دیل بیر گئرچک مئدیادیر. دیله "دونیا"
 و "من" ایکی برابر اولار و بیر بیرلرینه نیسبت وئرلرلر. من دیله دوشونرکن، یالنیز دیل
 ایفاده لری و آنلاملاری دگیل، دیل اؤزو ده دوشونمه نین وسیله سی اولار. بیزه هردن
 دوشونمه بیراولای (ایتتیفاق) کیمی آنلاشلار. بو اولای دانیشمانی یولداشلیق ائدر. او اولای
 بیلسین آیری بیریسینی، یوخسا اؤزونو سونا چاتدیرا. آنجاق یاخیندان ایزلیدیکده دوشونمه
 (دوشونمک عملی) بیر یولداشلیق ائدن اولای دگیل، او دیلین ایچینده دیر. دوشونمه و
 دیل بیربیرلریندن آیریلماز دیرلار. دوشونمه دن دانیشماق و دانیشمادان دوشونمک اولماز.
 من دوشوندوکده، اؤز ایچیمده دانیشیرام (۱)

بو مسئله نین آچیقلیغا قاویشدیرماسی نین واجیب اولدوغونا اساس "حمید تبریزی"
 ایمضاسی ایله "اخبار روز" آدلی فارس سیته سینده آذربایجان میلی کیملیک مقوله سینه
 کؤلگه دوشورمگه چالیشان یازی اولدو (۲). حمید تبریزی ایمضاسی ایله "کیملیک
 (هویت) ایچریکلی یازینی نقد ائتمدن اؤنجه "مطلق آدلار" مقوله سینی نظرден
 کئچیرمگه چالیشاق:

ال ایله لمس اولمایاجاق خاصیت، دوروم (حالت)، اولای (اتفاق)، داورانیش (رفتار)، ایلگی
 (علاقه، رابیطه) و دوشونجه (فیکیر و تصور) کیمی دوشونولموشلره وئريلمیش آدلار
 "مطلق آد" ساییلارلار؛ اؤرنک اولاراق: گؤزلیک، باریش، قوهوملوق، یاشاییش، اوچوش،
 یئریش، چؤکوش، یوخوش، سیلدیریم و ساییره. مطلق آد دئیملری، دوشونجه و دویقو و
 ساییره لری ده آدلاندیرارلار: اؤرنک اولاراق: بال، ایسلامیت، قاپی، قورتولوش، مال، حاکیم،
 بویاق، دوشونمه، باغلیلیق و ساییره. (۳).

اوسته کی آچیقلاماغا گؤره دونیا گؤروشو (ایدئولوژی) ده مطلق آدلار سیراسیندا یئر آلار.
 آنجاق بیر دونیا گؤروشونو توپلوم اوچون کیملیک (هویت) دئییل، ماهیت داشیما
 باخیمیندان اله آلار، اونو یارارلی (مفید)، یارارسیز (بی فایده) دئییه دگرلندیرمگه

چالیشارفاق، بو دونیا گۆروشو نئجه لیک (کیفیت) مقوله سینده یئرلشمیش اولار. بئله لیکه بیرشئیین نئجه لیک باخیمدان اله آیینماسی اونون کیفیت و خاصیتی نین نئجه اولماسینی اؤیرنمک اوچون خیدمت ائتمیش اولار. موختلیف دونیا گۆروشلری هر بیر توپلومون نورمالارینا اویقون دگرلر (یاخشی، پیس، یارارلی، یارارسیز و ساییره...) آچیسیندان دا اله آییندیقلاری اوچون نئجه لیک (کنیفیت) ماهیتی ایله ایرده لنمیش (تجزیه و تحیل) اولارلار. ائله اوندان یانا دا سیاسی دونیا گۆروشلری توپلوملاردا موختلیف یؤنلردن اله آییناراق ایرده له نرلر (تجزیه و تحیل اولارلار). دئمک، ایستر دینی اینانج (ایسلامیت، مسیحیت، یهودیت، بوداچیلیق و ساییره) ایسترسه ده سیاسی دونیا گۆروشلری (میللیتچیلیک، کمونیسیم، مارکسیسم، فاشیسم و ساییره) کیملیک و میللی کیملیک مقوله لرینه داخیل دئییل، مطلق آدلار سیراسیندا دیققت مرکزینده یئر آلمیش اولارلار. قیسیسا سؤزله دئییلرسه، میللیتچیلیک گۆروشو بیله میللی کیملیک دئییل، میللی کیملیک اوزره دوشونولموش مفکوره و ایدئولوژی ساییلار. کیملیک مقوله سی ایسه هر هانسی بیر اینسان و توپلومون دانیشدیغی دیل آنلامیندا اولدوغو اوچون شخصی کیملیک و میللی کیملیک بیجیمینده اورتایا چیخار. اینسان اوولادی دیلسیز اؤزو و چؤره سینی ایضاح ائتمک گوجونه یییه اولمادیغی و دیل بو اولناق و ایمکانی اونا یاراتدیغی اوچون کیملیک دیله و دیل سیستمینه بارینمیش ساییلار. دئمک، دیلر (تورکچه، فارسچا، عربچه و ساییره...) سؤز قونوسو اولدوقدا موختلیف دوشونمه سیستملری، دوشونمه منطیغی دا سؤز قونوسو اولار. موختلیف دوشونمه سیستملرینه صاحب اولان توپلوملار موختلیف کیملیکلره صاحب ساییلارلار. دوشونجه (فکر و مفکوره) و دونیا گۆروشو (ایدئولوژی) ایسه دوشونمه باجاریغینا (سیستم اولوشدورما یئته نگینه) یییه دئییلدیر (۴). حمید تبریزلی کنچمیشه دؤنوش گؤزو ایله آذربایجان میللی مسئله سی اوزره یازیر:

"... اما در سال های اخیر، «مسئله ملی» از طرف هویت طلبان کنونی آذربایجان صورتی متفاوت از آن دوره به خود گرفته است. مضمون این تفاوت، به رغم اقبال نسبتاً قابل توجه افشار مختلف مردم آذربایجان (به ویژه جوانان) به حقوق قومی - زبانی، به علت هدایت این حرکت از طرف هویت طلبان، به زعم راقم این سطور، ماهیتی واپسگرایانه و غیردموکراتیک

یافته است. دلایل این مدعا را می توان چنین برشمرد: ۱ - هویت طلبان کنونی آذربایجان از مقوله ای به نام هویت، برداشتی ذات گرا - قبیله گرا دارند. هویت از دیدگاه اینان، امری ثابت و لایتغیر تلقی می شود. اینان با نیش قبر و جستجوی استخوان های پوسیده نیاکان، قصد همذات پنداری با آن ها را دارند." (۲)

اوسته وئردیگیمیز ایضاحلارا اساساً کیملیگین نه اولدوغونو دوغرو و دوزگون باشا دوشمه گن "حمید تبریزی" فیکیرلرینی ایجتماعیته تقدیم ائدرکن ایفاده لرینده آذربایجان میلی حرکتینده بعضی آخین و دنیا گؤروشلری دئییل، دنیا گؤروشو آچیسیندان سرحد تانیماز آذربایجان میلی نی هدف آلمیش ایفاده لرده بولونار. بئله لیکله، بیر سیرا فارس مدنیت راسیستلری نین دئییشلری ایله ایفاده ائتمک جایزسه، آذربایجان میلیتی و اونون وارلیق مجاديله سی "قوم" و "قبیله گرا" دئییه قلمه آینار. حمید تبریزی گئنه ده یازیر:

"۲ - نگرش هویت طلبان کنونی آذربایجان به تاریخ، نگرشی گرینشی است. اینان خود را اولاد «حضرت چنگیز»، «حضرت قورقود» (منظور، دده قورقود)، «حضرت علسگر» (مراد، عاشیق علسگر) می دانند نه از دئییه «شیخ محمود شبستری» یا مثلاً، «سید احمد کسروی»، زیرا اولی «گلشن راز» و دومی «تاریخ هیجده ساله آذربایجان» را به فارسی سروده و نوشته اند و نه به ترکی. هویت طلبان کنونی آذربایجان اصولاً باید با ستارخان و باقرخان هم دشمن بوده باشند، زیرا هر دو در براندازی حکومت «قجر» ها شرکت فعال، بل تعیین کننده داشته اند که در نتیجه آن حاکمیت ایل ترک زبان «قجر» جای خود را به حکومتت فارس زبان پهلوی داده است" (۲)

اوسته گؤرونوگو کیمی موللیف خاص بیر آخین و جریاننی نظرده آلماسینا باخمایاراق یئرتیدیگی دوشونجه و فیکیر عموم آذربایجان میلی حرکتی علیهمنه یؤنلمیش دوشونجه ساییلار. بیلیندیگی کیمی موغول خانی چنگیز دیل و مدنیت آچیسیندان تورک دئییل، شیخ محمود شبستری میلی مفکوره صاحابی دئییل، سید احمد کسروی آذربایجانلی و آذربایجانین تجددودلوک اولایلارینی تاریخ دئییه قلمه آلماسینا باخمایاراق میلی مفکوره و میلی کیملیک آچیسیندان فارس تمامیچتیمی کیمی تانیمنیش ذاتلار ساییلار. دئمک، بو گون شیخ محمود شبستری و سید احمد کسروی آذربایجان میلی حرکتی اوچون اؤرنک

دئیللرسه، فارسچا یازیب یاراتدیقلاری اوچون دئیلل، شئیخ محمود شبستری صوفیست و سید احمد کسروی ایسه فارس تمامیتچیلیگینی اساس گؤتوردوگو اوچون میلی مفاکوره چی دئییه اؤرنک اولابیلملر. عکس تقدیرده بونلارین آذربایجان تاریخینده اوینادیقلاری روللاری ایستر یاخشی، ایسترسه پیس گؤز آردی ائدیلمه یه جک دئییه دوشونمکده یارار وار. حمید تبریزی ذات عالی بیله بو ایفاده لری فارس ایجتماعیتینه آذربایجان میلی حرکتینی کؤلگه آلتینا سالماق اوچون سرگیلدیگی اوچون ایستر بوگون، ایسترسه ده گلجکده آذربایجان اولادلاری طرفیندن بو ذات اقدس اوزره دوشونوله جکدیر. حمید تبریزی گئنه ده یازیر:

"... یکی از ویژگی های شاخص حرکت هویت طلبان کنونی در آذربایجان، که آن را از دهه های ۴۰ و ۵۰ متمایز می سازد، آن است که موتور این حرکت با نیروی نفی کار می کند. به سخن دیگر، مطالبات قومی در آذربایجان خود را نه در هم دلی و هم بستگی با مطالبات اقوام دیگر، بلکه در ضدیت و دشمنی با آن ها نشان می دهد. خصومت گرایی این شکل از هویت طلبی در همان بینش قبیله گرایانه ریشه دارد. بینش قبیله گرا آفتی است که جنبش هویت طلبی را محتوایی غیر دموکراتیک می بخشد. داروی این آفت، تغییر مسیر آن از قبیله گرایی به موضع شهروندی است. نگاه شهروندگرا به مسئله ملی و قومی نگاهی دموکراتیک و امروزی است. این نگاه، نه گذشته دور یا نزدیک، که همین امروز را به عنوان نقطه عزیمت خود انتخاب می کند. یک شهروند خود را با شهروندان دیگر، قطع نظر از آباء و اجداد، برابر حقوق می داند. در حوزه شهروندی، ملت و قوم برتر جایی ندارند. نه تنها در حیطة زبان، بلکه در عرصه حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، همه شهروندان یک کشور، صرف نظر از پیشی و کمی آنان، هم ارز شمرده می شوند. اما در بینش قبیله گرا، چه در روابط بین حاکمان و محکومان، و چه در میان خود محکومان، فراتر و فروتر، خودی و غیر خودی، یک پرنسیپ و یک اصل غیرقابل عبور پنداشته می شود." (۲).

اوسته کی پاساژا دیققت یئتریدیکده ایکی آچیدان ایران مالیکی محروسه سینده کی میلیتلر مسئله سی اله آیینمیش گؤرونر. بو ایکی بیربیرلریندن آیری مسئله لری بیر

پاراقرافدا موللیف ایفاه اندرکن، اؤزونو دئموکرات گؤسترمگه چالیشدیغینا باخما یاراق آذربایجان اتنوسو و اونون یاشادیقلاری بؤلگه لره قونشو خالقلارین بعضی پارامیلیتئر قوروپلاری نین نجه یاناشدیقلارینی گؤزدن قاچیرمیش گؤرونر. اوسته لیک بعضی آذربایجانلیلار طرفیندن اؤنه سورولموش گؤروشلر عمومیلشدیریله رک بیر میللت تیمثالیندا آذربایجان میللی حرکتینی ایتتیهم ماساسینا اوتورتماق اوچون اؤنه سورولر. وطنداشلیق مقوله سینه گلدیگه فارس دیل و مدنیتینی اساس گؤتورموش فارس حاکیمیتلری و سراسری دئییه فارس تشکیلاتلاری ایله ازبلمیش میللیتلر هانکی چرچیوه ده بیر آریا گله بیلرلر مسئله سی ایددعالی اولان موآلیفین دیقتیندن یایینمیش گؤرونر. محمد خاتمی یزدی ده گؤزل ایفاده لر ایله "گفتگوی تمدنها (با دولتهای خارج)" دئییه ۸ ایل ایران ممالیکی محروسه سینده کی میللیتلری آلداتماغا چالیشمیش. گؤروندوگو کیمی "حوزه شهروندی" مقوله سی ده فارس تمامیتچیلری طرفیندن بیر یاغلی تیکه دئییه اورتایا آتیلیمیش، بیر چوخلاری دا کؤنوللرینی بو تیکه نی یئییه جکلر دئییه اؤزلرینی خوش ائده رک فارسلیغا دوغرو ایلری گئتمکده الی آیاقدان بیله آیرد ائتمک ایسته مزلر. یئری گلیمشکن Foucault طرفیندن حاکیمیت سیستمی اوزره اورتایا آتیلیمیش گؤروش ایله بیر داها تانیش اولاق:

"منیم آنلاییشیما گؤره گوج یالینز حاکیمیت-گوجو دئییل، وطنداشلارا وطنداشلیق نظم و اینتیظامینی ایداره لر واسیطه سی ایله تضمین ائتمک گوج ساییلار.... گوج توپلومون مرکب ایستراتژییک دوروموندا (وضعیتینده) عمل ائدن عنصره وئرلیمیش آددیر" (۵).

فارس دیل و مدنیتینی اساسیندا قورولموش بیر حاکیمیت سیستمی نین وطنداشی (شهروندی) فارس دیل و مدنیتینه بویون اگمکدن باشقا نه ائده بیلر مسئله سیننی آذربایجان آیدینی گؤتور قوی ائتمه لیدیر. گؤروندوگو کیمی حقوق برابرلیگینی اله گتیرمک بیر چوخلاری خیال ائتدیکلری کیمی او حده ده راحت دئییل. کئچمیشده علیرضا نابدلر ده بو ایچی بوش گؤزل شعالارا آلداناراق اؤز دوشونجه لرینه اویقون آذربایجان تشکیلاتلاری یاراتماق یئرینه اؤز میللی مفکوره لریندن اوزاقلاشاراق فارس تمامیتچیلیگی نین قوربانی اولموشلار. بو مسئله نین اوزرینه بوگون مالا چکمک کیمسه نی

تمیزلیگه چیخارابیلمز. علیرضا نابدل فارس تشکیلاتلارینا قاتیلمدان "ستار خان آتلیسی تهرانا دوغرو" آدلی قوشمالار یازماسینا باخمایاراق "حقوق شهروندی (وطنداشلیق حقی)" آدلی گۆز بویاملارا آلدانیدیقدان سونرا فارس تمامیتچیلری نین قوربانلی اولموش (۶). حمید تبریزی ایضاسی ایله یازیلیمیش یازیدا اوخوبوروق:

"... ۴ - برای هویت طلبان کنونی آذربایجان، آنچه هویت را بر می سازد تنها زبان است و بس. در حالی که زبان فقط یکی از تگه های پدیدار چهل تگه ای به نام هویت است. نوع نگرش به عالم و آدم، تگه های دیگر این پدیده را برمی سازند. آن که نیمی از جامعه یعنی زنان را در مقامی فروتر از مردان می پندارد دارای هویتی است متمایز از هویت کسی که در عین هم زبان بودن با او، خلاف او می اندیشد. کسی که در عالم اندیشه و فرهنگ، در نزد دیگران هم پاره ای از حقیقت را ممکن می داند، هویتی همسان با هویت آن یکی را ندارد که خود را مالک شش دانگ حقیقت می داند، ولو هر دو به یک زبان سخن اختلاط کنند." (۲).

اوسته ایشاره اولدوغو کیمی کیملیک (کیم اولما، هویت) بیر شخصی وئرلیمیش آد کیمی دیر. بیر شخصی سسلمک اوچون اونون بیر آدی اولدوغو کیمی هر بیر میلیتین ده بیر آدی وار. دئمک، آذربایجانلیلاری تاریخده روسلار "تاتار"، عثمانلیلار "قیزلباش" آدلاندیردیقلارینا باخمایاراق آذربایجانلیلار اؤزلری عموم "تورک" آدینا آسیلی قالمیشلار. دوشونجه و فیکیر مقوله سی ایسه سرحد تانیمازدیر. هر بیر میلیتده اولدوغو کیمی آذربایجانلیلار کنچمیشدن گونوموزه دوغرو آغیرلیقلی مسلمان اولمالارینا باخمایاراق دونیا چاپیندا اولان بوتون فیکیرلر آذربایجاندا دا اؤزونه یانچی و طرفدار قازانابیلر. دئمک، بیر آذربایجانلی نین کمونیست اولماسی اونون کیملیگی دئییل، چئوره دن اتکیلندیگی (اکتسابی)، بئله لیکله شخص او ایدئولوژینی اؤز توپلومو و عموم اینسانلار اوچون بگندیگی بیر مقوله دیر. هر هانکی بیر شخصین فاشیست مثیللی اولدوغو بیله اونون کیملیگی دئییل، فاشیست بیر ایدئولوژی نین اتکیسی نین آلتیندا قالماسیندان حثکایت ائدر. ایکینجی دونیا ساواشیندان سونرا آمریکالیلار غرب آلمانیانی اله کنچیردیکدن سونرا آلمانی فاشیست سیستمی خیدمتینده اولان بئینلری نی آمریکا بیرلشمیش شتاتلارینا

آپاراراق اورادا بونلاری اولدوقجا آزاد بوراخاراق "آزادلیق نه دیر!!؟؟" دئییه بونلاری فاشیستلیک دوشونجه لریندن آریندیرماغا چالیشمیشلار. دئمک، کئچمیشده آلمان فاشیستلیگی خیدمتینده اولان بیلگیین و متفکیرلر سونرا فاشیستلیک مفکوره سیندن اوزاقلاشمالا بیرلیکده آلمان کیملیگیندن اوزاقلاشماق دئییل، بیر داها آلمان حاکیمت سیستمی و میللیتی نین خیدمتینه گئری دؤنموشلر. اوسته گؤروندوگو کیمی موأللیف دئییم تانیما ساوادسیزلیغیندان اؤز خالق خیدمتینده دئییل، اؤز خالقینا دوشمن کسيلمیش فارس تمامیتچیلری خیدمتینده یئر آلمیش گؤرونر. بو مسئله یالنیز مقاله موأللیفی نی دئییل، دیفاع ائتمگه چالیشدیغی احمد کسروی، تقی ارانی، سید حسن تقی زاده و سونرالار علیرضا نابدل ساییره لری بیله ایچرمکده دیر.

قایناقلار:

۱ - Wittgenstein, Ludwig, Wittgenstein, Ludwig Werkausgabe

۱۹۸۴. Frankfurt/Main: Suhrkamp, ۸Band

۲ - حمید تبریزی، قوردلار و قاراقوشلار (گرگها و پرستوها)، نقدی بر حرکت هویت طلبی در آذربایجان:

۱۵۵۲۶http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=

۳ - داها آرتیق بیلگی و معلومات اوچون باخ: ایشیق سؤنمز، آدسؤز جوگو (Nomen) و عوضلیک (ضمیر):

ay۱۸_Say=۰۳_۰۹_۱۳۸۵http://www.hbayat.azerblog.com/

۴ - داها آرتیق بیلگی و معلومات اوچون باخ: ایشیق سؤنمز، دوشونجه سیستمی می، یوخسا دوشونمه سیستمی لر؟

.htm۵۶http://www.azadtribun.net/x

f۹۴Foucault, Michel: Der Wille zum Wissen. S. - ۵

۶ - داها آرتیق معلومات اوچون باخ: ایشیق سؤنمز، آذربایجان میللی مسئله سی، آذربایجان آیدینی: ۵۲۹۳http://www.baybak.com/Baybak/?p=